



کتیریان:
ماهنامه شاید دیگر جوابگوی نیاز مخاطب نباشد، مگر این که با نویسندگان خیلی خوب و با یک رویکرد خیلی متفاوت ارائه شوند که من واقعیتش عملاً این را نمی بینم و خب تیراز مجلات هم دارد این گزاره را تایید می کند. در مجموع نقش مجلات در فروش فیلم ها به نظر م خیلی خیلی کم، شاید نزدیک به صفر شده است

سودجویی شخصی از رسانه به عنوان ابزاری تبلیغاتی است. پروژه های سینمایی در سکوت خبری کلید می خورند. تهیه کننده ها از درز اخبار پروژه به رسانه ها به شدت جلوگیری می کنند. عکس های فیلم را در اختیار سردبیران و خبرنگاران قرار نمی دهند و فیلم در حال تولید را به هندوانه در بسته تبدیل می کنند! بسیاری از سینماگران ایرانی بالاخص هنرپیشه ها، تشنه مطرح شدن هستند و به مجلات سینمایی به چشم ابزاری برای کسب، حفظ و افزایش شهرت می نگرند. آن چه در ایران بین سینماگران و رسانه های سینمایی در جریان است، بیشتر به بازار مکاره های شبیه است که هر کس می خواهد سود خود را از آن ببرد! جبار آذین: از آنجا که سینماگران از طیف های مختلف تشکیل شده اند، هر کدام در قبایل مسائل سینما و رسانه های سینمایی، مواضع خاص دارند و همین تفاوت نگاه در میزان ارتباط آن ها با خانواده منقدان، سینمایی نویسان و



کتیریان: به هر حال سینماگران از اینکه عکسشان چاپ شود و اسمشان بچرخد و از نشریات نقدهای مثبتی بگیرند، خوشحال می شوند. احتمالاً یک درصد کمی، شاید برای رزومه و فروششان هم خوب باشد. بعضی از سینماگران به منتقدانی علاقمند هستند و دوست دارند که نظر آن ها را بدانند که این قضیه، فی نفسه بد نیست. در مورد رسانه های سینمایی هم همین طور است. معمولاً این گونه است که اگر به فیلم یا فیلم ساز و بازیگری انرژی مثبت بدهند و تاییدشان کنند، سینماگران خوشحال می شوند. افراد انگشت شماری نیز هستند که نقدهای منفی را هم دوست دارند. تحلیل ها و نقدهای درست را حتی اگر به ضررشان باشد، دوست دارند. در کل رابطه سینماگران و رسانه های سینمایی بد نیست، به دلیل این که به هر حال یک بخشی از سینما، دیده شدن است و نشریات هم یک عامل و وسیله ای هستند، برای دیده شدن. حال بعضی از سینماگران، رابطه سالم و درستی با خبرنگاران، منتقدین و رسانه های سینمایی دارند و بعضی ها رابطه شان با نشریات خیلی بد است که آن ها هم دلایل خودشان را دارند.

درستکار: طبیعی است که فیلم سازان بر خوردهای متنوعی دارند. یک فیلم ساز ممکن است خودش علاقمند به مطرح شدن در مجله سینمایی باشد، برای یک فیلم ساز دیگر ممکن است این موضوع اهمیتی نداشته باشد و یک فیلم ساز ممکن است خودش را دست بالا بگیرد و به سختی گفتگو کند و... به هر حال این موضوع هم موضوع ساده ای نیست. طبیعتاً سینماگران به اندازه ای که آن مجله ها از اهمیت و ارزش برخوردار هستند و بین مردم محبوبیت دارند، رغبت بیشتری برای حضور پیدا می کنند. ولی این الزاماً مفهومی نیست که همه دوست دارند با آن مجله گفتگو کنند. بعضی از نویسندگان هستند که خیلی کم با یک سینماگر گفتگو می کنند یا یک سینماگر دوست دارد الزاماً یا فرضا با شخص خاصی مثل آقای گلمکانی گفتگو کند. خب این ها موضوعات خیلی ریزی هستند که باید به آن توجه کرد.

ولی به نظر من عموماً رابطه فیلم سازان با نشریات و ادبیات سینمایی خوب است، یعنی اغلب دوست دارند که به هر حال راجع به فیلم هایشان حرف زده شود. این یک مطالبه ای است که از طرف آن ها همیشه مطرح هست و بوده و خواهد بود.

شهرام خرازی ها: به نظر نمی رسد که همراهی سینماگران ایرانی با رسانه های سینمایی، به خاطر ارتقاء سینمایی ایران و دانش هنری مردم باشد، بلکه بیشتر به خاطر

برای این که در مورد فیلم ها نظر بدهند و نقد بنویسند، دارند. نقد خودش می تواند یک اثر ادبی باشد ولی در کشور ما خیلی ساده گرفته شده، هر کسی از راه می رسد یک چیزی می نویسد؛ این خوب است، آن بد است. بازی این خوب بود، بازی آن بد بود. اسم این را هم می گذارد نقد و چاپ می کند. این مشکل عمده ای است که عملاً دوغ و دوشاب دارد قاطی می شود و همه دوستانی که می نویسند، فکر می کنند که سواد، دانش و نوشتن، نیازی برای نوشتن نقد نیست و احتمالاً آن هایی هم که از قدیم دارند می نویسند با آن ها فرقی ندارند و گاهی بعضی هایشان خیلی مدعی هستند و شما می بینید که دو جمله درست در یک مطلب، چه به لحاظ ادبی و نثر و چه به لحاظ دانش نقد فیلم و دانش سینمایی وجود ندارد و متأسفانه مطالبی هم که این دوستان می نویسند، چاپ می شود و اسم منتقد هم زبرش می خورد. واقعا این اتفاقات، این حرفه را زیر سوال می برد، همچنین کیفیت نازل برخی مجلات سینمایی هم به این مسئله مربوط است. مهم ترین منتقدان سینما کسانی هستند که سواد کافی دارند. در واقع دانش سینمایی و دانش ادبی لازم را دارند. قلم خوب و نگاه درستی دارند. زوایای متفاوتی را برای مواجهه با فیلم انتخاب می کنند و برای نوشته هایشان ارزش قائل اند. استدلال دارند و براساس دانشی که دارند فکت و دلیل می آورند تا مخاطب را قانع کنند و آن چه که از فیلم ها کشف می کنند را با مخاطبشان به اشتراک می گذارند. از دیدن فیلم و از نوشتن در مورد فیلم لذت می برند و به عنوان وظیفه روزانه به آن نگاه نمی کنند. به هر حال ما منتقد خوب هم زیاد داریم. در نسل جدید خیلی کمتر و انگشت شمار، ولی باز هم هستند و خب طبیعی است چون تعداد منتقدان دارد از تعداد فیلم سازان بیشتر می شود این باعث شده که قضیه سخیف شود.

جبار آذین: مهم ترین و محترم ترین منتقدان سینمایی، کسانی هستند که به دانش سینما، سلامت، صداقت، شجاعت، صراحت، تعهدات اجتماعی و خواسته ها و نیازهای مردم مجهز و وفادار هستند و باشور، عشق و ایمان به فرهنگ، مردم و فرهنگ سازی خدمت می کنند. یک منتقد در جایگاه یک انسان فرهیخته فرهنگی، باید پرچم فرهنگ بر دوش بگیرد و خود و قلم خود را به حراج شهرت، ثروت و شهوت نگذارد و خالصانه و خادمانه در جامعه، امیدآفرینی کرده و به هنرمندان فرزانه در این راه سترگ، امداد رساند. منتقدان و سینمایی نویسان، دوستان و همراهان سینماگران و سینمای ایران هستند. یافتن مصداق های این تعریف را به مخاطبان سینمای کشور می سپاریم.

۷. همراهی سینماگران با رسانه های

سینمایی